



معرفی نسخه خطی مفتاح الطالبین (قرن دهم)

محمد حسنی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی. نجف آباد. ایران

مهدی نوریان^۲

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی. نجف آباد. ایران. (نویسنده مسوول)

مهرداد چترایی^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی. نجف آباد. ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۳

چکیده

«مفتاح الطالبین» اثر ارزشمندی است که فقط دو نسخه خطی - یکی در کتابخانه گنج بخش پاکستان (شماره ۲۸۵۳) و دیگری در کتابخانه ندوة العلماء هند (شماره ۱۹۱) - از آن وجود دارد و تاکنون هم بررسی و تصحیح نشده است. این کتاب را محمود غجدوانی (قرن دهم ه.ق) در منقبت شیخ کمال الدین حسین خوارزمی (تولد قبل از ۸۸۵ خوارزم) در

۱. m.hassani_law@yahoo.com

۲. mehnourian@gmail.com

۳. m_chatraei@yahoo.com

چهارمقاله همراه با یک مقدمه و خاتمه‌ای کوتاه نوشته است. مقالات اول و دوم در باره ریاضت‌های شیخ و مقاله سوم در خوارق عادات او و مقاله چهارم شامل چهل مجلس از مجالس وی است. غجدوانی طبع شعر نیز داشته و بعضی از سروده‌هایش را گاهی با تخلص «محمود» در این متن آورده است. در این مقاله مهم‌ترین ویژگی‌های مفتاح‌الطالین در سه سطح فکری، زبانی و ادبی همراه با معرفی مختصر نسخه‌های خطی آن قلمی می‌شود و در نهایت نگارنده عزم آن دارد که با تصحیح این اثر آگاهی‌های تازه‌ای در باره سیر عرفان و تصوف و احوال عرفا، مخصوصاً کمال‌الدین حسین خوارزمی عرضه کند.

کلیدواژگان: مفتاح‌الطالین، غجدوانی، سبک ادبی، حسین خوارزمی.

مقدمه

این متن از جمله آثاری است که نثر آن، گاه از ویژگی‌های نثرهای ساده پیروی می‌کند و گاه از ویژگی‌های نثر فنی. متن «مفتاح‌الطالین» از جمله آثار اخلاقی عرفانی و تعلیمی محسوب می‌شود که با نثری بینابین نوشته شده است. متن در بعضی مواقع به خصوص در هنگام بیان حکایات و نقل قول‌ها سهل و ممتنع است و در بعضی مواقع هم از جمله در دیباچه نثری بینابین بر نسخه حاکم است، همراه با کاربردهای عربی در قالب آیات، احادیث و روایات که از ویژگی‌های متون صوفیانه است. در این اثر گاهی آرایه‌های سجع، جناس، تشبیه، استعاره، ملاحه و زیبایی خاصی به متن می‌بخشد. از دیگر خصوصیات سبک نویسنده در این اثر استفاده از برخی لغات و اصطلاحات خاص و افعال به شیوه کهن است. همچنین وی از اشعار شاعران بزرگی چون سعدی، حافظ، نظامی و... به فراخور موضوع در خلال متن بهره برده است و همین عامل، بر جذابیت اثر وی می‌افزاید. با توجه به اینکه مؤلف تا حدی از آثار عرفانی دیگر هم برای بیان حکایات بهره برده است، تحت تأثیر همان آثار بوده

است، اما در موارد بسیاری به خصوص قسمت آغازین اثر از قدرت نویسندگی خود به خوبی بهره برده است. این اثر از لحاظ محتوایی در زمره آثار تعلیمی و روایی قرار دارد و به تقلید از گلستان به موضوعاتی شامل عرفان معارف اسلامی، فلسفه، اخلاق و تربیت و امثال آن پرداخته است (ر.ک: رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۱۱).

نثر کتاب نمونه نثر اواخر قرن دهم است. از ویژگی‌های نثر این دوره افزایش درصد واژه‌ها و ترکیبات عربی، استفاده از آیات و احادیث و ضرب‌المثل‌ها آوردن لغات مترادف، موسیقایی بودن کلام به سبب توجه فراوان به آرایه‌های ادبی به ویژه سجع، جناس، مراعات‌النظیر و تضاد است. این اثر نثری بنیابین دارد. نثری آهنگین و مسجع که جاذبه و تأثیر بیان را دوچندان می‌نماید و در عین سادگی گاهی به سمت وسوی نثر فنی متمایل می‌شود.

مؤلف در تألیف این کتاب از احادیث پیشوایان دین چون پیامبر اکرم (ص) استفاده کرده است. بهره‌گیری از نظم فارسی هم یکی از ویژگی‌های نثر این اثر است. وی از شعرهای فارسی پیش از خود نیز به مناسبت کلام بهره برده است و این نشان از حافظه قوی مؤلف در حفظ آیات، احادیث و اشعار پراکنده شعرا و تسلط وی بر زبان عربی دارد.

از آنجایی که طبع انسان به جای شنیدن پندهای جدی به شنیدن حکایت و داستان تمایل بیشتری دارد، به همین دلیل بیشتر شاعران و نویسندگان از جمله سنایی و عطار و مولانا به خصوص سعدی مطالب و اندیشه‌های خود را در قالب حکایت بیان کرده‌اند. از ویژگی‌های مهم این اثر نیز حکایت‌هایی است که برای تبیین مضامین اخلاقی آورده شده است. این حکایات در اکثر مواقع حکایاتی طولانی همراه با اشعار زیباست که در پی شرح صفات پسندیده و ناپسند در جای‌جای رساله می‌توان مشاهده نمود. مؤلف موضوعات اخلاقی را با آوردن داستان‌هایی زیبا، جامع‌تر و مبسوط‌تر شرح داده است، قصه‌هایی که محتوای آن در باب تعلیم و

تربیت و موضوعات اخلاقی و فضایل انسانی است. به صورتی که داستان‌ها و حکایت‌هایی را در موضوعات مختلف گردآوری کرده است و توانسته با استفاده از آن‌ها یک رشته معارف اخلاقی و پند و اندرز را بیان کند؛ و این امر بیانگر احاطه و مطالعه گسترده مؤلف و استفاده از منابعی زیاد برای نگارش این اثر است.

در این متن به سال وقوع برخی رویدادهای تاریخی اشاره شده است مثلاً آمدن حضرت ایشان از ولایت خوارزم به سمرقند و مشرف گشتن نویسنده به شرف انابت و ارادت در سال ۹۲۳ و سال‌های ۹۳۶-۹۲۳ که در ملازمت پیر سپری شده و سال ۹۳۹ که خطور فکر نوشتن این کتاب و سال ۹۵۰ که تحریر این کتاب در آن سال واقع شده است.

۱- کلیات پژوهش

۱-۱. بیان مسأله

نقد متن‌شناسی یا تصحیح متن از ظریف‌ترین و دشوارترین شاخه‌های نقد ادبی است که در آن منتقد می‌کوشد تا با دریافت و اصلاح دگرگونی‌های راه‌یافته در متن آن را به صحت و اصالت نخستین خود بازگرداند و با وجود آن‌که اساس و مقدمه‌ای برای شیوه‌های دیگر نقد ادبی است عملی‌ترین و استوارترین رویکرد در نقد ادبی نیز به شمار می‌رود (زرین کوب، ۱۳۵۱: ۴۲) بدیهی است که هرگونه برداشت نقد و تحلیل زمانی و محتوایی متن بدون فراهم بودن نسخه‌ای منقح و پیراسته بیهوده می‌نماید. بر این اساس تصحیح متون کهن اهمیت و ضرورت می‌یابد.

گونه‌ای از داستان‌های کهن حکایت‌هایی از زندگی اولیا و بزرگان دین و عارفان است که به کرامات احوال سلوکی و اقوال ایشان می‌پردازد این سیره‌نویسی‌ها این نوع ادبی

که پیشینه‌ای بسیار کهن در فرهنگ‌های مختلف دارد علاوه بر فواید رجالی اغلب آگاهی‌های عصری نیز دارد و از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی و پژوهش است.

مفتاح‌الطالین که منقبت نامه‌ای است در احوال و اقوال شیخ کمال‌الدین حسین خوارزمی از این دست نگاهشده‌های پراهمیت است. محمود بن شیخ علی بن عمادالدین العجدوانی در سال ۹۵۰ هجری تألیف مفتاح‌الطالین را آغاز کرد در دهم رجب سال ۹۵۰ آن را ختم و در بیستم ذی‌الحجه همان سال در سمرقند به خانقاه شیخ به بیاض برده است. مفتاح‌الطالین به نثر ساده و روان سده دهم و همراه با اشعاری است که اغلب سروده عجدوانی است سبک نثر آن در بخش‌هایی از مقدمه و نیز مناجات‌های پایان مقالات ادبی و توأم با اضافه‌های تشبیهی و استعاری است؛ مثل صیاد محبت، بیاض بیضای محبت، غمام هوای نفس، دفاتر قال، ناوک بلا، نهنک عشق و ...

حسین خوارزمی: کمال‌الدین حسین خوارزمی فرزند شهاب‌الدین حسین از صوفیان نامدار سده‌های نهم و دهم است که احتمالاً پیش از سال ۸۸۵ هجری قمری در خوارزم متولد شده در کودکی والدینش را از دست داد (عجدوانی، ص ۵۲۹). در جوانی سر ارادت بر پای حاج محمد خوبوشانی (قطب طریقت ذهبیه) و شیخ عمادالدین فضل‌الله مشهدی نهاد و نهایتاً به سلسله حسینیة همدانیه پیوست. او در سال ۹۵۷ هجری با مریدان به مکه رفت و سپس به دمشق و حلب سفر کرد و در حلب بیمار شد و در دهم شعبان ۹۵۸ هجری در همان‌جا درگذشت. عرفان کمال‌الدین حسین بر پایه ریاضت و به‌جا آوردن احکام و مناسک عملیه شرعی بوده البته در این طریق واقعات و مکاشفات را نیز مورد توجه داشته است با این همه از آن عرفان مستانه خراسان که در امثال خرقانی و تا حدودی ابوسعید ابوالخیر می‌توان یافت در خوارزمی نشانی نیست. پس از او شیخ شریف‌الدین حسین بر جای پدر نشست (مایل هروی، ۱۳۷۸: ۱۴۶ و ۱۴۷/ابن عماد، ۱۳۵۱ ق: ۳۲۰ و ۳۲۱/شوشتری، ۱۳۹۲: ۴: ۴۱۴/لعلی بدخشی، ۱۳۷۶: ۱۲۱۳ و ۱۲۱۴).

سلسله طریقتی خوارزمی بدین شرح است کمال‌الدین حسین خوارزمی مرید شیخ عمادالدین فضل‌الله مشهدی (پیر دلیل) و او مرید حاجی محمد خوبشانی و او مرید شاه علی اسفراینی و او مرید شیخ رشیدالدین محمد و او مرید سید عبدالله برزش‌آبادی بوده است. کمال‌الدین حسین ۱۱ سال نزد خوبشانی ماند و سرانجام با اجازه‌نامه‌ای از مرشد خود به خوارزم بازگشت او در سال ۹۵۷ هجری با مریدانش به مکه رفت و پس از ادای مراسم در راه بازگشت در دمشق خانقاهی ساخت و به حلب رفت کمال‌الدین حسین در حلب بیمار شد و در دهم شعبان سال ۹۵۸ هجری در همان‌جا درگذشت مرید او محمود غجدوانی در سال ۹۵۰ هجری و پیش‌تر مرید و فرزند ارشدش شریف‌الدین حسین خوارزمی دو تذکره به نام‌های مفتاح‌الطالبین و جادة‌العاشقین در احوال و مقامات پیر خود پرداخته‌اند. در اغلب منابع احوال این صوفی با تاج‌الدین حسین خوارزمی (مقتول در ۸۳۹ هجری) به هم آمیخته است (مایل هروی، ۱۳۷۸: صص ۱۵۴-۱۴۵ / شوشتری ۱۳۹۲: ۴/۴۱۴ به بعد / نسخه خطی مفتاح‌الطالبین به شماره ۲۸۵۳ محفوظ در کتابخانه گنج‌بخش / معصوم علی‌شاه: ۱۳۴۵: ۲/۳۴۴ و ۳۴۵ / ابن عماد، ۱۳۵۲ ق: ۸/۳۲۰ و ۳۲۱ / جعفریان، ۱۳۹۰: ۸۸-۱۱).

متون بسیاری در زمینه مسائل اخلاقی به رشته تحریر درآمده است که هرکدام سعی در اعتلای ارزش‌های انسانی و فضائل اخلاقی داشته‌اند. از جمله این آثار، کتاب مفتاح‌الطالبین است که در قرن دهم هجری قمری به نثر آمیخته به نظم به رشته تحریر درآمده است. این اثر، کتابی مفصل در بیان مسائل اخلاقی با استناد به آیات و روایات و حکم و داستان‌ها و اشعار نغز است. تصحیح این دست‌نوشته بر اساس دو نسخه: کتابخانه ندوة العلماء لکنهو (هند) و نسخه گنج‌بخش به شماره ۱۶۹۷ که در کتابخانه گنج‌بخش پاکستان موجود است، استفاده شده است. این پژوهش بر آن است که برای نخستین بار ضمن تصحیح و معرفی اثر با دستیابی به ژرفنای آن و شناخت ارزش‌های زبانی، ادبی و فکری آن با تکیه بر سبک‌شناسی، زمینه‌ای برای شناخته شدن هر چه بیشتر این اثر تعلیمی فراهم سازد.

مفتاح‌الطالین در چهار مقاله با مقدمه و خاتمه‌ای سامان یافته است. غجدوانی در مقدمه‌اش از سفر کمال‌الدین حسین خوارزمی از خوارزم به سمرقند در سال ۹۲۳ هجری یاد می‌کند و این که چگونه با شیخ دیدار کرده و به مریدانش پیوسته است. غجدوانی از کرامات مشایخ کمال‌الدین حسین یعنی شیخ رشیدالدین محمد بیداواری، شاه علی اسفراینی و حاجی محمد خوبشانی نوشته و مشایخ او را تا حضرت امام رضا (ع) ذکر کرده است سپس در لزوم یادکرد آخرت، متابعت از سنت، ولایت، مراتب اولیا و ابدال، اقسام خوارق عادات، تعریف ولی و ... سخنانی می‌گوید که اغلب برگرفته از متون صوفیانه است و در پایان هر مقاله مناجاتی از مؤلف ذکر شده.

غجدوانی در مقاله اول حکایاتی از ریاضات و مجاهدات کمال‌الدین حسین خوارزمی از زبان خود او نقل می‌کند این حکایات بیان احوال عرفانی و سلوک شیخ تا پیش از پیوستن به مرشدش حاجی محمد خوبشانی است. از موارد جالب توجه دیدار شیخ با عمادالدین فضل‌الله مشهدی در ابیورد است (مشهدی از خلفای خوبشانی بوده و مؤلف با ذکر حکایاتی از او با القاب احترام‌آمیز یاد کرده است) که عمادالدین او را با توصیه‌نامه‌ای به نزد خوبشانی می‌فرستد. واقعات شیخ در طریقه سلوک یادکرد مجذوبان و درویشان نامدار خوارزم، مانند درویش محمد خرقه‌پوش، درویش محمد بیک، مولانا احمد جندی، شیخ عزیز پوران هروی، درویش آق محمد خوارزمی و ...، ماجرای اقامت شیخ نزد بعضی مشایخ و سلاسل صوفیه (مانند یسویه) و بریدن از آن‌ها از دیگر موارد مورد توجه در این باب است.

مقاله دوم در بیان ریاضات و مجاهدات شیخ در زمان پس از گرویدنش به خوبشانی است. در این باب نیز واقعات شیخ سفرهای مشقت‌بار او به هرات (در عهد سلطان حسین میرزا) و خوارزم حکایت‌هایی از همراه قدیم شیخ با نام درویش آق محمد خوارزمی، ریاضات و چله‌نشینی‌ها و مزدوری کردنش ذکر شده است.

مقاله سوم در «خاصیات و خوارق آن مقتدای عالمیان» است. این مقاله حکایاتی از کرامات شیخ حول شفای بیماران تنبیه‌بی‌ادبان یاری‌دادن مریدان نیازمند ارادت شاهان به شیخ

در پی ظفر آن‌ها بر دشمنان، ارادت ظهیرالدین محمد بابر در مقابل دشمنان و یاری دادن فولاد سلطان در مقابل قزلباشان، رسوا نمودن مشایخ و مدعیان دروغین و امثال این‌ها ذکر شده است. نویسنده در این مقاله از وبای مخوف سمرقند در سال ۹۳۹ هجری نیز یاد کرده است.

مقاله چهارم در بیان مجالس آن حضرت است و شامل چهل مجلس شیخ است. این مجالس اغلب در پاسخ به پرسش‌های مریدان در تبیین آیات و احادیث و اقوال مشایخ با نکته‌های عرفانی است. حنفی مذهب بودن شیخ و اعتقاد او به معاد جسمانی در ضمن آرا و اقوال شیخ در این مقاله دریافت می‌شود. گفتنی است نسخه مغلوطی از این چهل مجلس در کتابخانه دانشگاه تهران محفوظ است که دکتر رضازاده شفق در سال ۱۳۸۹ آن را تصحیح و منتشر نموده است. تصحیح انتقادی این بخش بر اساس دو نسخه کهن مزید فایده خواهد بود. تذکر دیگر آن که قاضی نورالله شوشتری نسخه‌ای از مفتاح الطالبین را در اختیار داشته است که از آن با نام کتاب مقامات شیخ حسین خوارزمی یاد و مطالبی در باره احوال شیخ حسین خوارزمی نقل کرده است (همان: ۴/۴۴۱). خاتمه مفتاح الطالبین در بیان ذکر نسب خوارزمی و اولاد اوست و با مناجات و دعا خاتمه می‌یابد.

یادآور می‌شود که شریف‌الدین حسین خوارزمی فرزند ارشد و مرید کمال‌الدین حسین با بهره بردن از مفتاح الطالبین، جاده‌العاشقین را در احوال و مقامات پدر خویش با برافزوده‌هایی از سفر حج نگاشته است (جعفریان، پاییز ۱۳۹۰ صص ۸۸-۱۱).

عرفان کمال‌الدین حسین بر پایه ریاضت و به‌جا آوردن احکام و مناسک عملیه شرعی بوده البته در این طریق واقعات و مکاشفات را نیز مورد توجه داشته است با این همه از آن عرفان مستانه خراسان که در امثال خرقانی و تا حدودی ابوسعید ابوالخیر می‌توان یافت در خوارزمی نشانی نیست.

او داشتن پیر، مجاهده و سختگیری بر نفس را در رسیدن به کمال مؤثر دانسته و پیوسته در این سلک گام نهاده است. گفتنی است اصولاً مشایخ کبرویه که ذهبیه نیز از آنان

است این طریق عرفانی را داشته‌اند. مورد قابل ذکر دیگر این که از این کمال‌الدین اشعاری با تخلص حسینی مانده است که بیشتر آن‌ها در دو منقبت نامه او یعنی مفتاح‌الطالین و جادة‌العاشقین آمده است. (مایل هروی، ۱۳۷۷: ۱۴۷). بعضی تذکره‌نگاران متأخر سروده‌هایی را به خوارزمی منسوب کرده‌اند. (خیامپور، ۱۳۳۸: ۳۱۵)

با وجود جستجوهای فراوان، تاکنون نسخه‌ای از مفتاح‌الطالین در کتابخانه‌های ایران یافت نشده است. با این همه ما توانستیم دو نسخه از این متن ارزشمند را در کتابخانه‌های هند و پاکستان شناسایی کرده، فراهم آوریم و البته جستجو برای نسخ دیگر همچنان ادامه دارد.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

مفتاح‌الطالین اثری است تعلیمی - عرفانی که با زبانی ادبی با معیارهای قرن دهم نوشته شده است. شعر است و نثر و نه در حد تکلف که به قدر متعارف از صنایع بدیعی مثل تشبیه و استعاره و غیره جمال پذیرفته است. در بیان مطالب از عناصر خوش ترکیب و زیبای فارسی استفاده شده است که همین امروز هم می‌تواند توجه اهل زبان را به خود جلب کند و شیوه‌ای را پیش پای کسانی گذارد که به تکامل زبان و اندیشه فکر می‌کنند.

۳-۱. پیشینه تحقیق:

طبق بررسی‌ها و تحقیق‌های صورت گرفته از منابع معتبر و در دسترس، این نسخه تاکنون در ایران و خارج از ایران تصحیح نشده است اما در دو مورد آن‌هم نه به صورت کامل و علمی این اثر مورد توجه قرار گرفته است:

۱-۳-۱. نسخه‌ای مغلوط از چهل مجلس - مقاله چهارم کتاب مفتاح‌الطالین

- در کتابخانه دانشگاه تهران موجود بوده و دکتر رضازاده شفق در سال ۱۳۸۹ آن را تصحیح و منتشر کرده است اما این تصحیح توجه اهل فن را به خود جلب نکرده و نقدی نیز از هیچ جنبه‌ای بر آن نشده است.

۱-۳-۲. قاضی نورالله شوشتری نسخه‌ای از مفتاح الطالبین را در اختیار داشته و از آن با نام «کتاب مقامات شیخ حسین خوارزمی» یاد کرده است (قاضی نورالله شوشتری، ۱۳۹۲: ۱/۱۰۶) او مطالبی در باره احوال شیخ حسین خوارزمی نقل نموده است (همان، ۴/۴۱۴ به بعد) و بخشی از مطالب مقاله چهارم را که غجدوانی در باره مذهب شرعی خوارزمی بیان کرده جعلی و نادرست دانسته است. البته شوشتری این مطالب را با روشی کاملاً غیرحرفه‌ای و بدون استدلال بیان کرده است.

۲. بحث

۱-۲. معرفی مؤلف

محمود بن شیخ علی بن عمادالدین الغجدوانی از صوفیان ماوراءالنهر و از میردان کمال‌الدین حسین خوارزمی (عارف نامدار سده دهم) بوده که در سال ۹۵۰ هجری رساله مفتاح الطالبین در مناقب و احوال مرشد خود نگاشته است پیش از آن فرزند خوارزمی شریف‌الدین حسین در نگارش کتاب جاده العاشقین از مفتاح الطالبین بهره برده است. غجدوانی طبع شعر نیز داشته است و بعضی از سروده‌هایش را در مفتاح الطالبین ذکر نموده اما دیوانی از او بر جای نمانده است. با کوشش فراوان در باره غجدوانی اطلاعی به دست نیامد (نسخه خطی مفتاح الطالبین به شماره ۲۸۵۳ محفوظ در کتابخانه گنج‌بخش / نفیسی، ۱۳۶۳: ۱/۴۰۰).

۲-۲. آثار غجدوانی

بجز همین مفتاح الطالبین اثر دیگری از او شناخته نشده، در متن مفتاح الطالبین هم به

اثری از خود اشاره نکرده است.

۳-۲. معرفی مفتاح الطالبین:

مفتاح الطالبین: کتابی از کمال‌الدین محمود غجدوانی در مناقب و مقامات شیخ حسین خوارزمی، شیخ صوفیان خانقاه حسینیّه است. در بیشتر تذکره‌ها و نیز

آنان که در روزگار ما تاریخ ادبیات فارسی نوشته‌اند، زندگینامه وی را با تاج‌الدین حسین خوارزمی (مقتول ۸۴۰) در آمیخته‌اند. در پاره‌ای مآخذ متأخر، او را فرزند شهاب‌الدین حسین بن برهان‌الدین خلع انجدانی دانسته‌اند. از او ان زندگی، مستعد پذیرش طریقه تصوف بود. پس از چندی، از مریدان حاجی محمد خوشانی (۹۳۸) شد و در سلک طریقه همدانیه که خود کمال‌الدین حسین، فرزندش شریف‌الدین حسین و محمود غجدوانی آن طریقه را سلسله علیّه حسینیّه همدانیه نامیده‌اند، درآمد. کمال‌الدین به واسطه استعدادی که داشت، پس از چندی به مقام شیخی رسید و در خوارزم، سمرقند، بخارا و دمشق به ارشاد طالبان پرداخت. در ۹۵۶ با گروهی از مریدان، رهسپار مکه شد. پس از گزاردن مناسک حج، به دمشق رفت و خانقاهی در آن سامان برآورد. پس از آن به قصد برآوردن خانقاهی در حلب آهنگ آن شهر کرد، اما در آن دیار درگذشت. کمال‌الدین آخرین پیر طریقه اغتاشیه بود.

غجدوانی در باب نوشتن این کتاب را گوید: «در خاطر، این عزیمت صورت بسته بود که از مقامات حضرت ایشان تذکره‌الیقین مسمی به مفتاح‌الطالین نوشته شود.» (۲۷) تا این که از طرف شیخ به این کار مأمور می‌شود «ضمناً رخصت به نوشتن تذکره احوال حضرت پیر و مخدومی و مقتدای ما معلوم و مفهوم شده بود» و نیز «بنده را رخصت به نوشتن تذکره مشایخ سلسله شریفه شد» (۳۲) آنگاه نام این کتاب را مفتاح‌الطالین می‌نهد.

۲-۴. جایگاه نویسندگی و شاعری غجدوانی

۲-۴-۱. جایگاه نویسندگی: با در نظر گرفتن متن این کتاب می‌توان او را نویسنده‌ای متوسط

معرفی کرد

۲-۴-۱. جایگاه شاعری:

۲-۵. معرفی دست‌نویس‌های موجود:

الف، نسخه کتابخانه گنج بخش به شماره ۲۸۵۳، نستعلیق خوش، محمدحسین (المشهر به خواجه کاتب) بن میرکی سمرقندی، دارای ۵۲۹ صفحه، ۱۵ سطر، در شهر سمرقند، ۹۵۱ هجری، آغاز نسخه متأسفانه در دیباچه افتاده است، از قراین برمی آید افتادگی از چند سطر بیشتر نیست، عنوان‌ها زر و برخی لاجورد و برخی سنگرف، آیت‌های قرآنی به زر، جدول بندی پنج راه به زر و رنگ‌ها (منزوی، ۱۳۶۳: ۳/۸۴۸). در حاشیه دو صفحه از نسخه اساس به نسخه بدل اشاره شده که وجود نسخه دیگری را ثابت می‌کند.

ب، نسخه کتابخانه ندوة العلماء لکنهو (هند) به شماره ۱۹۱، نستعلیق، حاجی عبدالله بن محمدامین، دارای ۳۱۱ صفحه، ۱۹ سطر، نشانه‌ها به سنگرف، فاقد تاریخ کتابت محتملاً سده یازدهم هجری، گفتنی است میکروفیلم سیاه و سفید این نسخه از مرکز میکروفیلم نور تهیه شد.

با توجه به قدمت و صحت نسخه کتابخانه گنج بخش، این نسخه با نشانه اختصاری «اس» به عنوان نسخه اساس برگزیده و نسخه کتابخانه ندوة العلماء به عنوان نسخه بدل و با نشانه اختصاری «ند» استفاده شد.

یکی از ویژگی‌های این نسخه بدل این است که هرگاه دو واژه یکسان در نسخه اساس وجود داشته، گاهی کاتب واژه دوم را اشتباهاً به جای واژه اول در نظر گرفته و مطالب بین این دو را - که گاهی زیاد و مهم هم بوده‌اند - نوشته است.

گاهی واژه‌ای در نسخه بدل با نسخه اساس متفاوت است اما این دو لغت متفاوت با هم مترادف‌اند مثلاً در نسخه اساس واژه «شاهرخی» وجود دارد ولی در نسخه بدل واژه «ینگه» نوشته شده است که هر دو نوعی سکه‌اند. با توجه به این نکته معنی واژه «یره‌دار» - که در فرهنگ‌ها وجود ندارد، آشکار می‌شود چون در نسخه بدل به جای آن واژه «زخمی» به کار رفته است.

۲-۶. ویژگی‌های رسم الخطی نسخه بدل و نسخه اساس

ویژگی‌های کتابت نسخه‌های خطی معمولاً به یک شیوه است، کتابت این متن نیز از این قاعده مستثنی نیست اینک به برخی از موارد اشاره می‌شود:

جدانویسی و پیوسته‌نویسی:

۱. متصل نوشتن «این»، «آن»، «هم» و حرف اضافه «به» به کلمه بعدی.

۲. برخی از کلمات به هر دو صورت نوشته شده است: جوان‌مردی،

جوانمردی.

۳. برخی از کلمات به صورت جدا نوشته شده است: دی‌روز، پی‌روی.

نوشتن حرفی به جای حرف دیگر:

۱. معمولاً به جای «پ»، «چ»، «ژ» و «گ» از «ب»، «ج»، «ز» و «ک» استفاده

می‌شود.

۲. استفاده از «ی» کوچک (ء) به جای «ای» در کلمات مختوم به «های غیر ملفوظ» یا

«های بیان حرکت».

۳. در کلمات مختوم به «های» غیر ملفوظ که متصل به «ها» ی جمع شود، «ه»

غیر ملفوظ را حذف کرده است (خانها، بیچارها)، چنانچه این گونه کلمات متصل به

«ی» مصدری شود، علاوه بر تبدیل «ه» به «گ»، «ه» غیر ملفوظ را هم می‌آورد:

(دیوانه گی).

۴. کلمات مختوم به «ه» هنگام اضافه شدن به علامت «ای» باء («یا» ی

کوچک) نوشته شده است: آموخته (آموخته‌ای). به طور کلی نشان (ء) هم به جای

کسره اضافه و هم به جانشینی «ی نکره» به کار رفته است: بمثابة (به مثابه‌ای).

نوشتن کلمه به شکلی دیگر: «توست» به صورت «تست» و حیات به صورت «حیوة»

مقایسه کلی نسخه اساس و بدل

ند	اس
جدانویسی: (عرفان را، به کلید) و پیوسته نویسی: (مغلوبتر)	پیوسته نویسی: (عرفانرا، بکلید) و جدانویسی: (مغلوب تر)
اشعار مؤلف مشخص نشده‌اند	مشخص کردن اشعار مؤلف با آوردن عبارت «لمولفه»
کاربرد «نه» به شکل «نی»	کاربرد «نه» به شکل «نه»
شکل های جدیدتر: آنچه-بلکه-آنکه چنانکه-بدان که	شکل های قدیمی تر: آنچه-بلک-آنک-چنانک-
به کار بردن این کلمات به صورت (چونان و چونین)	به کار بردن کلمات (چنان و چنین) به همین صورت
-	گذاشتن سه نقطه زیر حرف «س»
جمله به شکل مجهول: قدس سره	جمله به شکل معلوم: قدس الله سره
مصدر «آوردن» به شکل معمول «آوردن» به کار رفته	مصدر «آوردن» به شکل «آردن» به کار رفته
پیوسته نوشتن «ن» منفی (نپنداری، نستانی)	جدا نوشتن «ن» منفی (نه یارند، نه بندند)
کلمات همزه دار با کرسی الف به شکل غیر معمول (تأثیر- ماء مور)	کلمات همزه دار با کرسی الف به شکل معمول (تأثیر- مأمور)
بکار بردن کلمه «یعنی»، «أما»	به کار بردن کلمه «اعنی»، «فاما»
نوشتن فعل های ماضی نقلی به شکل بدون «است»	نوشتن فعل های ماضی نقلی به شکل کامل (رفته است)
کاربرد «نمی» و «می» بین فعل پیشوندی «بر نمی آید» و «در می یابد»	کاربرد «نمی» و «می» قبل از فعل پیشوندی «نمی- بر آید» و «می در یابد»
به کار نبردن افعال دعا «محفوظ دارد».	به کار بردن افعال دعا «محفوظ دارد».
مشخص کردن مصراع ها با علامت «ع» یا مصراع	مشخص نکردن مصراع های متن
واژه «مقوله» همیشه به صورت «مقاله» نوشته شده	واژه «مقوله» همیشه به صورت «مقوله» نوشته شده
بیشتر موارد مفعول - را	بیشتر موارد مفعول + را

نوشتن فعل به شکل عادی «نمود»، «برید» و «سپاریم». نوشتن فعل با «ب» تأکید «بنمود»، «ببرید» و «بسپاریم».	نوشتن فعل به شکل عادی «نمود»، «برید» و «سپاریم». نوشتن فعل با «ب» تأکید «بنمود»، «ببرید» و «بسپاریم».
حرف اضافه «به»: به سر کرده	حرف اضافه «بر»: بر سر کرده
حرف اضافه «بر»: مرا بر آن اطلاعی نبوده است	حرف اضافه «به»: مرا به آن اطلاعی نبوده است
حرف اضافه «در»: نقد جان را در کف دست گرفته	حرف اضافه «بر»: نقد جان را بر کف دست گرفته
عدم مطابقت موصوف و صفت «شریف»	مطابقت موصوف و صفت «شریفه»
کاربرد کلمه به شکل امروزی «ایستاده»، «فروذ»، «خراسان»	کاربرد کلمه به شکل قدیم «استاده»، «فروذ»، «خوراسان»
جمع بستن کلمه با «ان»	جمع بستن کلمه با «ها»
در هر دو نسخه: ربودیت به جای ربودید	در هر دو نسخه: ربودیت به جای ربودید
شکل معمولی کلمه «چکد»، «برادر را امر کردند»	شکل غیر معمولی کلمه «چکت»، «برادر را امر کردن»
کاربرد مصدر «ماندن» در معنی (نهادن و گذاشتن)	کاربرد مصدر «گذاشتن» در معنی (نهادن و گذاشتن)
کاربرد ماضی نقلی به شکل جدید «می کرد»	کاربرد ماضی نقلی به شکل قدیم «کردی»
کاربرد «نظم» برای رباعی	کاربرد «رباعی» برای رباعی که دقیق تر است
استفاده بیشتر از حالت وصفی: رسیده و بازگردانیده و ...	استفاده کمتر از حالت وصفی: رسید و بازگردانید و ...
کاربرد بیشتر شکل مجهول: تجسس کرده می شد	کاربرد بیشتر شکل معلوم: تجسس می کردم
کلمه به شکل معیار «بینم»	کلمه به شکل غیر معیار «بویتم»
متن گاهی دارای اعراب	متن کمتر دارای اعراب
کاربرد کلمه به شکل قدیمی تر «پیل» و «شیو»	کاربرد کلمه به شکل جدیدتر «فیل» و «شیب»
کاربرد همزه: مقتداء	کاربرد حرف «ی» بجای همزه: مقتدای بدون اضافه شده به کلمه‌ای
اعراب درست تر آیات قرآن	اعراب غلط بعضی از آیات قرآن
شکل قدیمی برخی از واژه‌ها (بوبرداریم، بویند،	شکل متفاوت برخی از واژه‌ها (ببرداریم، بویند،

ببینیم)	ببینیم)
وجود غلط املائی در هر دو نسخه صیرت (سیرت)، خاب (خواب)، سوراغ (سراغ)، برده‌باری (بردباری)،	وجود غلط املائی در هر دو نسخه: اصلحه (اسلحه)، ایزا (ایذا) خُرد (خورد)، خواستن (خاستن)

نتیجه‌گیری:

مفتاح‌الطالین منقبت‌نامه‌ای است مشحون از تعلیمات اخلاقی و عرفانی که غجدوانی آن را به نثر مسجع تالیف کرده و در آن اشعاری را از خود و دیگر شعرا آورده است. در این متن مثل دیگر آثار عرفانی قرن دهم عبارات عربی فراوانی آمده و مطالب آن به آیات، احادیث قدسی، روایات، حکایات و غیره مستند شده است. مولف از مشایخ طریقت ذهبی و دیگر عرفا با احترام و القاب و نعوت شایسته یاد نموده و - گرچه هم او و هم خوارزمی سنی‌مذهب هستند- در متن از ائمه شیعه نیز با تکریم یاد کرده است. این اثر سرشار از صنایع ادبی مثل: جناس، تشبیه، استعاره و غیره بوده در آن از لغات و اصطلاحات محلی و عناصر مهجور و کلماتی که در فرهنگ‌های فارسی نیامده استفاده شده است. نثر غجدوانی فخیم و مودبانه و به دور از هزل و هجو و بیانات سطحی است و در توصیف وقایع نیز جزییات مطالب را بیان میکند و برای القای بهتر مفاهیم سخن خود را در کلیه مقالات کتاب به بخش‌های کوچکی تحت عنوان مقوله تقسیم مینماید. ناگفته نماند که نثر این نویسنده بسیار قوی‌تر از شعر او است.

پیدا شده ... از ارباب و تو باشی باشد ... خاک ز فضل تو شده
 سیر طبع ... شوق تو کرد دست و پا از چمنند ... با غم عشق تو
 درین کشته است ... دوز و وصل تو زمین گشته است
 مظهر آفتاب علی آدم است ... زین شرف او جز در دو عالم
 تا نظر لطف به خیال شده ... واسطه خلقت افلاک شده
 عظمت و اقیانوس و ریاضات ز کفایت بران سینه گشته
 که بس عظمت ... مبداء و فطرت جمیع موجودات است
 رسولی که تجلی حقیقت او محیط قطرات بود هر موجودی در میان
 علم خود که از تشریف
 در مظهر خود است آن چوب آله که در روز رستاخیز
 نصف انبیاست که نشانی و خاتم شفاعت بنا بر او شده
 و آن خاتم رسالت که حکم نفس قاطع **عَلَيْهِ السَّلَامُ**
 با حق جمیع ملتها شمع دولت است و بر آن در
 او که مویز آن دین و عهد یقین با تمکین از حضور خدا
 با زبان کبیر و دین و این کامل و عارفان مکمل



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم

۲. ابن عماد حنبلی، عبدالحی (۱۳۵۲ ق)، **شذرات الذهب**، بیروت، دارالفکر.

۳. بهار، محمدتقی (۱۳۸۵)، **سبک‌شناسی**؛ تهران، توس.
۴. حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۷۰). **مقالات ادبی - زبان‌شناختی**، تهران: نیلوفر.
۵. دانشگاه کمبریج (۱۳۸۲). **تاریخ ایران (جلد ششم) دوره تیموریان** (ترجمه یعقوب آژند). تهران: جامی. به نقل از خوانش تفسیری اخلاق محسنی به مثابه اندرزنامه سیاسی عصر تیموری،
۶. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). **لغت‌نامه**، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.
۷. رواقی، علی. (۱۳۹۰) «**در باره گویش یغناپی**». زیر نظر غلامعلی حداد عادل، جشن‌نامه دکتر سلیم نیساری، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چاپ اول.
۸. زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۱)، **یادداشت‌ها و اندیشه‌ها**، تهران، طهوری.
۹. غجدوانی، محمود، (بی‌تا)، **نسخه خطی مفتاح‌الطالبین** به شماره ۲۸۵۳، محفوظ در کتابخانه گنج بخش اسلام‌آباد.
۱۰. -----، (بی‌تا)، **نسخه خطی مفتاح‌الطالبین** به شماره ۱۹۱، نسخه کتابخانه ندوة‌العلماء لکنهو (هند).
۱۱. قاضی نورالله شوشتری، (۱۳۹۲)، **مجالس المؤمنین**، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از ابراهیم عرب پور و همکاران، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۲. لعلی بدخشی، میرزا لعل بیگ (۱۳۷۶)، **ثمرات القدس من شجرات القدس**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از کمال حاج سید جوادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، **نقد و تصحیح متون**، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. معصوم علیشاه، محمد معصوم بن زین‌العابدین (۱۳۴۵)، **طرائق الحقائق**، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران، بارانی.
۱۵. ملاح، حسینعلی. (۱۳۸۵). **پیوند موسیقی و شعر**، نشر قضا، تهران.
۱۶. منزوی، احمد (۱۳۶۳)، **فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان**، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۱۷. جعفریان، رسول، (پاییز ۱۳۹۰)، «**جاده‌العاشقین (از ماوراءالنهر تا حرمین شریفین)**»، پیام بهارستان س ۴، ش ۱۳، صص ۸۸-۱۱.
۱۸. نفیسی، سعید (۱۳۶۳): **تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی**، تهران، فروغی.

<http://dehkadehmehrabani.ir>.۱۹